

پژوهش زنان، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۸۸: ۱۶۱-۱۳۹

پای پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران*

ابوالقاسم دادور**، لیلا پورکاظمی***

چکیده: پوشاک اقوام محلی، به‌ویژه زنان، از مؤلفه‌هایی نظیر طرح، رنگ و نقش برخوردار است. از کنار هم قرار گرفتن این عوامل، ترکیبات خاصی در پوشاک هر منطقه به‌وجود می‌آید. این پژوهش به مطالعه‌ی پای‌پوش‌های آن دسته از زنانی که در جوامع کوچک روستایی در بخش‌های مختلف ایران زندگی می‌کنند، پرداخته است. هدف اصلی این تحقیق یافتن شباهت میان این پای‌پوش‌ها و عوامل مؤثر در آن می‌باشد که در راستای معرفی پای‌افزار بومی زنان به‌صورت مجزا از یکدیگر، محقق شده است. روش پژوهش انجام شده از نوع اسنادی است. از نتایج حاصل از آن، می‌توان به‌وجود ارتباط تنگاتنگ میان پای‌پوش‌ها و شرایط زندگی زنان اشاره کرد. زیرا مشاهده می‌شود که در انجام فعالیت‌هایی نظیر؛ زراعت، دامداری و همچنین بیلاق و قشلاق، به چگونگی ساختار پای‌افزارها توجه شده است و همواره نوعی را مورد استفاده قرار می‌دهند که آسایش آنان را به‌هنگام کار فراهم آورد. همچنین شباهت چشم‌گیری میان کفش آن دسته از زنانی که در شرایط مکانی و اقلیمی نظیر هم زندگی می‌کنند، دیده می‌شود. از سویی با انجام چنین پژوهش‌هایی می‌توان به نکاتی ظریف و مرتبط با فرهنگ اقوام، در زمینه پوشاک پی برد.

واژه‌های کلیدی: پای‌پوش، زنان، روستایی، گیوه، گالش، چارق.

مقدمه

یکی از کهن‌ترین و ارزش‌مندترین میراث ایرانیان، فرهنگ و سنن مرسوم در میان اقوام محلی ایران است که بسیاری از آن‌ها پس از گذشت قرن‌ها کماکان پابرجا مانده است. پوشاک محلی از جمله‌ی این میراث است که نشانی سنتی در میان جوامع انسانی به حساب می‌آید. برخی از سنت‌ها در میان تعدادی از اقوام دارای اشتراکاتی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: بررسی پای‌پوش‌های ایران از دوران پیش از اسلام تا عصر حاضر که در دانشکده هنر دانشگاه الزهرا (س) ارایه شده می‌باشد.

ghadadvar@yahoo.com

** دانشیار دانشکده هنر دانشگاه الزهرا (س)

phoenixleila@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۷/۳۰

جالب توجه است. از سویی، در بسیاری از موارد این تشابهات با نگاهی تیزبینانه در جزئی‌ترین بخش‌ها نمایان می‌شود. البسه‌ی محلی، مهم‌ترین سمبل فرهنگی و بارزترین نماد قومی به‌شمار می‌رود. از آن‌جا که پوشاک به‌سرعت تحت تأثیر عوامل محیطی و فرهنگی قرار می‌گیرد، می‌توان از آن به‌عنوان مؤثرترین نماینده و عامل شناسایی در شکل ظاهری هر قوم یادکرد. از این‌رو با نگاهی به مجموعه‌ی درخشان پوشاک روستایی و عشایری ایرانیان، به‌ویژه زنان، می‌توان به میزان تنوع قومی و فرهنگی در این مرز و بوم پی برد. البته باید در نظر داشت که این نشان قومی، خود از ترکیب اجزائی نظیر سرپوش، تن‌پوش و پای‌پوش گرد آمده است که هر یک از آن‌ها به‌صورت مجزا در تفکیک گروه‌های متفاوت انسانی از یکدیگر مؤثر واقع شده است.

پا، یکی از ارگان‌های اصلی و حساس بدن و به قلب دوم مشهور است. از کفش می‌توان به‌عنوان شیئی نام برد که ارتباط مستقیم با آن دارد. شناسایی پای‌پوش‌های زنان محلی ایران از جمله مباحث مورد پژوهش در تاریخ پوشاک ایران است. در میان برخی از این گروه‌های محلی، کفش‌های زنان نیز همانند سایر قسمت‌های لباس‌شان دارای تزئینات و ظرافت است. با دقت در طرح پای‌افزارهای سنتی زنان و تزئینات آن‌ها در مناطق گوناگون ایران به ارتباطات و شباهت‌هایی بی‌نظیر پی می‌بریم. از چنین مواردی می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل قابل تأمل به‌منظور مطالعه تأثیر و تأثر فرهنگ قومی در زمینه‌ی پوشاک نام برد. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که کدام دسته از زنان روستایی ایران تحت تأثیر شرایطی خاص، از پای‌پوش‌هایی نظیر هم استفاده می‌کنند؟ در واقع برای پاسخ‌گویی به این سؤال باید به میزان تنوع پای‌افزار زنان اشاره شود تا گروه‌های نظیر هم از میان سایرین بازشناخته شوند. این‌گونه است که می‌توان به‌طور دقیق بر میزان تأثیر اقوام بر یکدیگر در خصوص این بخش از لباس پی برد. بهترین روش به‌منظور انجام چنین پژوهشی توجه به پای‌پوش زنان بومی و محلی ساکن در استان‌ها است.

بر اساس تقسیم‌بندی استان‌های ایران، هر یک از اقوام محلی در پهنه‌ای از این کشور عزیز ساکن شده‌اند. بهترین پیشنهاد برای ترتیب توصیف پای‌پوش‌های آن‌ها، توجه به هم‌جواری این استان‌ها است. در این میان، پیش از همه، به معرفی نژاد کرد خواهیم پرداخت زیرا پراکندگی آن‌ها در سطح کشور نسبت به سایر اقوام چشم‌گیرتر است و در نتیجه جمعیتی قابل ملاحظه را به‌خود اختصاص داده‌اند. سپس از شمال کشور به معرفی پای‌پوش‌های محلی زنان ایرانی می‌پردازیم تا در نهایت، به استان‌ها و ساکنان سواحل جنوبی می‌رسیم. اما این‌گونه که پیداست به‌علت کم بودن زمان نمی‌توان همه‌ی پای‌پوش‌های زنان در مناطق روستایی و عشایری ایران را مطالعه کرد. از این‌رو سعی کرده‌ایم از میان آن‌ها تعدادی را انتخاب

پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۴۱

کنیم که به‌عنوان نماینده‌ی اقوام شاخص ایرانی نظیر کرد، آذری، لر و شمالی... شناخته شده‌اند. بر این اساس، این مقوله را با شرحی مختصر از ویژگی‌های هر استان و پای‌پوش‌های خاص زنان‌شان دنبال خواهیم کرد.

کردها

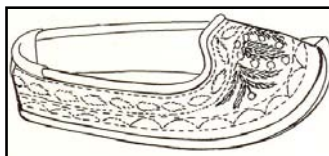
در میان اقوام ایرانی، کردها در نقاطی بیشتر از ایران ساکن هستند. این نژاد در چهار استان کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و شمال خراسان مستقر شده‌اند. روایت‌هایی متعدد در خصوص پیدایش نژاد کردها وجود دارد. داستان پیدایی قوم هرچه باشد، کرد و کوهستان جدایی‌ناپذیرند. کردهای ایران علاوه بر کردستان در بخش‌هایی از نواحی کرمانشاه و آذربایجان غربی و همچنین در قسمت‌های شمال و شمال شرقی خراسان و بخش‌هایی از فارس و کرمان ساکن شده‌اند (عرشی، ۱۳۷۲: ۱۰-۱۳). کردها از اقوام اصیل ایرانی محسوب می‌شوند و بالطبع، این قوم اصیل دارای پوشاکی با ویژگی‌های خاص خود هستند. در این میان، پای‌پوش‌ها نیز با مشخصاتی ویژه شناخته می‌شوند. معرفی پای‌پوش بانوان کرد از استان کردستان آغاز می‌شود، سپس به استان‌های کرمانشاه، آذربایجان غربی و قسمت کردنشین خراسان می‌پردازیم. کفش مخصوص بانوان کردستان، تیماجی الوان یا چرم خام با طرحی ساده و نوک پنجه‌ای برگشته است. رویه‌ی آن با نخ‌های ابریشمی رنگین، گل‌دوزی و نقش‌اندازی می‌شود (تصویر ۱). پای‌پوش معمول و بومی بانوان کرمانشاه همان کفش دست‌بافت رنگین است که به گیوه‌ی کرمانشاهی معروف است (تصویر ۲).

تصویر (۲) کفش بانوان کرمانشاه به‌نام گیوه‌ی کرمانشاهی



منبع: همان، ۴۳

تصویر (۱) کفش بانوان کردستان



منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۵

در آذربایجان غربی، کردها در قالب طوایفی مختلف سکونت دارند، اما کفش بومی زنان این نواحی را می‌توان در یک شکل کلی از چرمی رنگی و یک‌تکه دانست که از کف پا به بالا می‌آید و رویه‌ی آن بر

۱۴۲ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

پشت پا با نخ‌های ابریشمی ضخیم و الوان، زه‌کشی می‌شود و معمولاً بر نوک پنجه و جلوی دهانه‌ی کفش، منگوله‌هایی ابریشمی می‌دوزند (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۳۹-۴۰ و ۵۲) (تصویر ۳).
تصویر (۳) کفش بومی بانوان کرد آذربایجان غربی



منبع: همان، ۵۵

کردها در شمال خراسان به دو ایل زعفرانلو در قوچان و شادلو در بجنورد تقسیم می‌شوند. هر ایل، طوایف فراوان با نام‌های بی‌شمار دارد. برای معرفی پوشاک این گروه از کردها معمولاً پوشاک قوچانی‌ها و بجنوردی‌ها را در نظر می‌گیرند. بر این اساس، در این مناطق به‌ویژه قوچان که پوشاک اصیل خود را حفظ کرده‌اند، بانوان از کفشی چرمی شبیه نعلین نوک‌برگشته استفاده می‌کنند که غالباً رنگ آن سبز است. این کفش کومُخ نامیده می‌شود و پاشنه‌دار است (تصویر ۴). البته در گذشته با دو رنگ قرمز یا زرد همراه منگوله‌هایی چرمی دوخته می‌شد. بعدها برای تهیه‌ی این منگوله‌ها از جنس الیاف الوانی استفاده کردند که رویه‌ی کفش را می‌دوختند. در حال حاضر از کفشی استفاده می‌شود که رویه‌ای یکسره دارد و روی آن با دوختی به‌نام کوردانه و رنگ‌های متنوع و الیاف گلابتون نقش‌دوزی می‌شود. در نوک کفش از منگوله‌های چرمی و گاه نخ‌ی به نام قنتور استفاده می‌شود. این کفش چوقی نام دارد (تصویر ۵). چوقی در پشت پا دو بند باریک دارد که از میان حلقه‌ی چرمی عبور می‌کند و به دور مچ پا پس از تاباندن گره می‌خورد (امیدی، ۱۳۸۲: ۹۰؛ ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۵۸-۵۷).

تصویر (۵) نوع دیگر از کفش بانوان کرد شمال خراسان به نام چوقی



منبع: امیدی، ۱۳۸۲: ۹۰

تصویر (۴) کفش بانوان کرد قوچان به نام کومخ



منبع: همان، ۵۹

پای پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۴۳

شمال شرق خراسان نیز از مناطق کردنشین محسوب می‌شود. این بخش از خراسان به کلات نادر معروف است. پوشاک ساکنان آن ویژگی‌های خاص خود را دارد. آن‌ها به کفش که بخشی از البسه‌ی آنان است به کردی، سول و به ترکی، کُش می‌گویند. بانوان این خطه در زمان‌های قدیم از چوقی استفاده می‌کردند. لُخی نیز کفش دیگری بود که امروزه منسوخ شده است. این کفش دست‌بافت بود و از ساقه‌ی گیاه توخالی به‌نام قَمیش بافته می‌شد که به‌طور معمول کنار مزارع برنج می‌روید (تصویر ۶). کفش بعدی زنان کلات نادر، به‌ویژه روستاییان، چارُخ است. این واژه همان چارُق است که در گویش ترکی کلات نادر به چارُخ تبدیل شده است. این کفش طرحی خشن و قالبی بزرگ دارد (تصویر ۷)، اما امروزه بانوان این ناحیه از گالیش و کفش‌های بازاری استفاده می‌کنند. به‌دلیل نفوذ نکردن آب در آن و قابلیت انعطافی که دارد، روستاییان و به‌ویژه کهن‌سالان کلات نادر از این کفش استفاده می‌کنند. پوشش داخلی این کفش از نخ است که مانع عرق کردن پا می‌شود. رنگ این آستر قرمز یا سرخ‌آبی است (تصویر ۸). زنان این سامان از دو نوع جوراب پشمی منقوش و بازاری استفاده می‌کنند. جوراب‌های بازاری را کشی یا ساق می‌گفتند و اغلب رنگ‌های سفید و کرم آن‌را می‌پوشیدند. جوراب‌های پشمی و منقوش که دست‌بافته‌ی خودشان است دارای نقش‌هایی بسیار زیبا هستند (تصویر ۹) (امیدی ۱۳۸۲: ۵۰ و ۹۰).

تصویر (۷) کفش بسیار قدیمی بانوان کرد کلات نادر به‌نام لُخی



منبع: همان

تصویر (۶) چارخ زنانه متعلق به زنان کرد کلات نادر



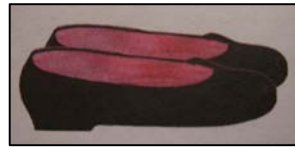
منبع: همان، ۵۰

تصویر (۹) جوراب پشمی منقوش دست‌بافت زنان کرد شمال و شمال شرقی خراسان



منبع: همان، ۴۹

تصویر (۸) کفش بانوان کرد کلات نادر به‌نام گالیش



منبع: همان، ۵۰

خراسان

حال که پای‌پوش زنان کرد شمال خراسان را مطالعه کردیم بهتر است در ادامه‌ی پژوهش به تحقیق در خصوص طرح کفش زنان در سایر بخش‌های این استان بپردازیم. در مجموع باید گفت که خراسان از استان‌های پهناور ایران محسوب می‌شود و از لحاظ جغرافیایی در شرق و شمال شرقی ایران واقع است. در این ناحیه با تنوع قومی و فرهنگی جالب توجه روبه‌رو هستیم. این استان از نظر پوشش، گنجینه‌ای از اقوام مختلف چون خراسانی، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب محسوب می‌شود. لباس خراسانی‌ها در بخش‌های مختلف این استان دارای طرح‌هایی متفاوت است. این تنوع و گوناگونی، پای‌پوش‌ها را به میزانی کمتر در بر گرفته است زیرا طرح بسیاری از این پای‌پوش‌ها در مناطق مختلف خراسان مشترک است. بهترین تقسیم‌بندی برای تحلیل دقیق‌تر این بخش از پوشاک عبارت است از: مناطق مرزی، مناطق کویری و بیابانی و شهرستان‌هایی چون سرخس، نهبندان و سبزه‌وار. طبق این تقسیمات، معرفی پای‌پوش‌ها را از شرق خراسان آغاز می‌کنیم.

شرق خراسان یا همان مناطق مرزی شامل خواف تا تربت جام است. اصیل‌ترین پوشاک خراسانی‌ها متعلق به مردمان این ناحیه است. پای‌افزار زنان در بعضی از طرح‌ها مخصوص این منطقه و در برخی دیگر با سایر اقوام مشابه است. زنان در ناحیه‌ی شرقی خراسان در گذشته‌های دور از نوعی نعلین استفاده می‌کردند که پاشنه‌ی آن دقیقاً زیر پاشنه‌ی پا یعنی روی تخت کفش قرار می‌گرفت. روی این پاشنه صفحه‌ای از استخوان به‌شکل پاشنه میخ‌کوب می‌کردند و در زیر تخت کفش در همان قسمت پاشنه‌ی نعل می‌کوبیدند. جنس این پای‌پوش‌ها از چرم‌های الوان بود که روی آن تزئیناتی از چرم‌های رنگین اضافه می‌شد. محل دوخت آن بیشتر در بیرجند بود (تصویر ۱۰) (پایگاه حوزه، ۱۳۸۸). علاوه بر این نعلین، به‌تدریج از دو پای‌پوش دیگر به نام‌های چوقی و گالش استفاده کردند (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۳). (تصویر ۱۱) گالش زنان را نمایش می‌دهد. بر اساس آنچه در قسمت‌های بعد خواهد آمد، نظیر آن‌را در سایر نقاط ایران خواهید دید. چوقی نیز از پای‌پوش‌های بومی رایج در این نواحی است که نمونه‌ی تصویری آن در صفحه‌ی ۱۴۲ ملاحظه شد. در حال حاضر، این بانوان بیشتر از کفش‌های بازاری استفاده می‌کنند.

تصویر

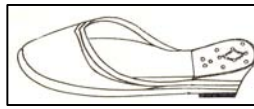
لاستیکی به



تصویر (۱۰) نعلین چرمی زنان شرق خراسان

(۱۱) کفش

نام گالش



پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۴۵

منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۹۱

منبع: امید، ۱۳۸۲: ۱۱۳

مناطق کویری و بیابانی خراسان شامل گناباد، کاخک، بیدخت و بجستان می‌شود. پای‌پوش زنان این مناطق در گذشته، ساغری نوک‌برگشته با تزئینات دست‌دوز بود. این تزئینات برای اعیان و اشراف شامل زری‌دوزی و برای سایرین، گل‌دوزی بود. نوع دیگر طبلکی نام داشت که رویه‌ی آن با انار رنگ می‌شد و حاشیه‌ای به‌رنگ سبز داشت. پاشنه‌ی آن از استخوان یا چوب بود.

اُرسی که زمانی جزو پای‌پوش‌های اصلی و به‌روز بود با گذشت زمان به پای‌پوش بومی این ناحیه تبدیل شد. گُرگویی نام کفشی دیگر بود با تخت چرمی یا لته‌ای که رویه‌ی جیر به‌شکل ضربدر داشت. متأسفانه تصویر برخی از پای‌پوش‌های نام‌برده در دست نیست، اما تا حدودی طرح برخی از آن‌ها را با استفاده از توصیفات آمده می‌توان تجسم کرد.

گیوه‌بافی یکی از هنرهای سنتی معروف منطقه‌ی گناباد است. این پای‌پوش سنتی از دو قسمت به نام‌های تخت گیوه و رویه‌ی گیوه تشکیل می‌شود. تخت آن معمولاً از پارچه‌های نخی متراکم درست می‌شود. رویه‌ی آن توسط زنان در منزل با قلاب و نخ بافته می‌شود که گاه نقش‌هایی بر آن انداخته می‌شود. نفر سوم نیز آن‌ها را به‌هم متصل می‌کند. نوک پنجه و پشت گیوه را برای دوام بیشتر از چرم می‌ساختند. در سبزه‌وار، یکی دیگر از شهرهای این استان، دو نوع گیوه تولید می‌شود که یکی از آن‌ها مانند گیوه‌ی گنابادی‌هاست، اما دیگری تخته‌ای لاستیکی با رویه‌ای بافته‌شده دارد. چُنُق که در واقع همان چارق است پای‌پوش دیگر مردان سبزه‌وار محسوب می‌شود.

زنان این ناحیه از همان کفش‌های محلی نظیر گالش، ساغری و گیوه استفاده می‌کنند. غیر از کفش‌های نام‌برده، در برخی از مناطق دیگر این استان نظیر بیرجند از کفش‌های بومی دیگر استفاده می‌شود. کیتراک، یک پای‌پوش چوبی زنانه و مخصوص حمام است.

(تصاویر ۱۲ و ۱۳) نمایان‌گر دو نمونه از ساغری‌های دوخته‌شده در بیرجند است. اما آن‌گونه که پیداست، امروزه اکثر زنان خراسانی به کفش‌های بازاری روی آورده‌اند که سبک و فرم اصلی آن‌ها ساختار کفش‌های بومی را ندارد (همان: ۱۲۲-۱۲۳ و ۱۲۶-۱۲۷ و ۱۴۰).

تصویر (۱۲) ساغری گلابتون‌دوزی شده، بیرجند



۱۴۶ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

منبع: امیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۲

تصویر (۱۳) ساغری منجوق دوزی شده به شکل راحتی، بیرجند

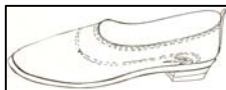


منبع: همان: ۱۴۲

ترکمن‌ها

ترکمن‌ها بیشتر در جنوب شرقی دریای خزر و در ترکمن صحرا (دشت گرگان) سکونت دارند. امروزه ترکمن‌های ایران در استان‌های گلستان، خراسان رضوی (تربت جام) و خراسان شمالی پراکنده‌اند. ترکمن‌ها دارای طوایفی گوناگون هستند. از جمله طوایف ساکن در ایران می‌توان گوگلان، یموت، تکه، اسای، یازر و نخورلی و از شهرهای مهم آن‌ها می‌توان بندر ترکمن و گنبد قابوس را نام برد. افراد این قوم با فرهنگی ریشه‌دار و استوار، موفق به حفظ سنت‌های پویا و کارآمد خویش شده‌اند. زمانی که ترکمن‌ها سخن به میان می‌آید اولین چیزی که در ذهن تجسم می‌شود ویژگی ظاهری آن‌هاست که عبارت است از: کلاه‌های پوستی برافراشته، چشم‌های مورب و چکمه‌های نمدی سفید (ابراهیمی، ۱۳۶۱: ۴؛ دانشنامه آزاد ویکی پدیا، ۱۳۸۸). کفش بومی بانوان ترکمن ظاهری خشن دارد. این پای‌پوش که احتمالاً کوش نامیده می‌شود، اندکی پاشنه دارد و از چرم خام و با تزئینات اندک تهیه می‌شود (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۲۱۲ و ۲۲۱؛ عرشی، ۱۳۷۰: ۲۵) (تصویر ۱۴). گالش، پای‌پوشی دیگر است که در ابتدا از روسیه وارد می‌شد. این کفش از جنس پلاستیک و به رنگ سیاه بود. نمونه‌های تصویری از آن در بخش‌های دیگر ملاحظه می‌شود (امیدی، ۱۳۸۲: ۲۰۳).

تصویر (۱۴) کفش زنان ترکمن با اندکی تزئینات



منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۳

پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۴۷

آنچه مسلم است این‌که در حال حاضر، زنان ترکمن نیز به‌دنبال کفش‌های مد روز هستند. تصویر ۱۶ نشان‌گر این امر است.

طرح جوراب زنان ترکمن همانند جوراب کردهای شمال خراسان می‌باشد که از پشم‌های الوان و ابریشمی با نقوش زیبا بافته می‌شود و به‌هنگام سرما آن‌را به پا می‌کنند (تصویر ۱۵).

تصویر (۱۵) جوراب منقوش زنان ترکمن



منبع: امیدی، ۱۳۸۲: ۱۹۱

گیلان و مازندران

دو استان سرسبز و زیبای مازندران و گیلان در جنوب دریای خزر و در قسمت شمالی کشور ایران واقع شده‌اند. مازندران از شمال به دریای خزر و ترکمنستان، از شرق به گلستان و خراسان، از جنوب به سمنان و استان مرکزی و از غرب به استان گیلان محدود می‌شود (معین، ۱۳۵۸: ۱۸۷۵). گیلان نیز در جنوب غربی دریای خزر واقع است و از لحاظ جغرافیایی به‌دلیل وجود دریای خزر و سلسله‌جبال البرز، سیمایی ویژه و متفاوت از سایر نقاط ایران دارد (مصاحب، ۱۳۴۵: ۲۴۴۶). البته مازندران نیز به‌دلیل شباهت منطقه‌ی جغرافیایی‌اش به گیلان، از چنین ویژگی آب‌وهوایی برخوردار است. به همین دلیل در بعضی از اجزای پوشاک از جمله پای‌پوش‌های‌شان بی‌شباهت به یکدیگر نیستند. پای‌پوش‌های مرسوم میان زنان مازندرانی عبارت است از: کوش، چارق و گالش.

کوش از چرم دباغی‌شده در رنگ‌های قهوه‌ای و مشکی تهیه می‌شود. واژه‌ی کوش در واقع گویش محلی کفش است. احتمالاً این کفش نظیر همان کوشی است که میان زنان ترکمن مرسوم است. متأسفانه تصویری دقیق از این کفش در دست نیست. گالش نیز یکی دیگر از کفش‌های بومی زنان مازندرانی است که بیشتر در رفت‌وآمدهای روزانه استفاده می‌شود (تصویر ۱۶). توضیح بیشتر آن در قسمت پای‌پوش‌های زنان گیلانی آمده است. چارق از آن دسته پای‌پوش‌هایی است که اغلب همراه پوششی دیگر به‌نام پاتوئه یا همان پتاوه استفاده می‌شود. این کفش از چرم گاو و گاومیش یا نمد تهیه می‌شود و معمولاً در نواحی

۱۴۸ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

خشک و زمان بیایاق کاربرد دارد. اندازه‌ی این کفش کمی بزرگ‌تر از پا است. در دورتادور دهانه‌ی کفش، سوراخ‌هایی تعبیه می‌کنند و با عبور بند از آن، به دور ساق پا می‌بندند. آن‌چه مسلم است نحوه‌ی طراحی و دوخت آن همانند چارق ترکمن‌ها و کردان شمال خراسان است (کاظمی فرامرزی، ۱۳۸۸).

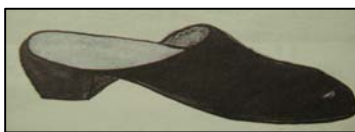
تصویر (۱۶) کفش لاستیکی به نام گالش



منبع: ضیاءپور، ۱۳۷۴: ۶۰۶

پای‌پوش زنان گیلانی نیز بی‌شبهت به همسایگان‌شان نیست. گالش، چوموش و چارق، از پای‌پوش‌های مرسوم در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی گیلان است. گالش نام فرانسوی این کفش بانوان و پای‌افزار لاستیکی است که در گویش محلی به گالوش تغییر یافته است. در فرهنگ دهخدا، گالش به کفشی گفته می‌شود که قسمت پنجه‌ی پا را می‌پوشاند (تصویر ۱۷)، اما در طرح دیگر همانند تصویر ۱۶، قالب آن به صورت یک‌تکه و کامل پا را می‌پوشاند. همان‌گونه که گفتیم، به‌علت جنس این کفش و نداشتن درز، آب نمی‌تواند در آن نفوذ کند. در نتیجه پای‌پوشی مناسب برای آب‌وهوای بارانی در شمال ایران محسوب می‌شود. از این کفش لاستیکی نمونه‌های ساق‌بلند آن در رنگ‌های متنوع تولید می‌شود. این چکمه‌ها برای زنان در کشاورزی، دام‌داری و مشاغل نظیر آن‌ها کاربرد فراوان دارد (تصویر ۱۸).

تصویر (۱۷) گالش به شکل راحتی (دمپایی)



منبع: امیدی، ۱۳۸۲: ۵۰

تصویر (۱۸) چکمه‌ی پلاستیکی زنانه

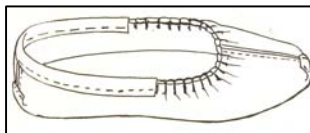


پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۴۹

منبع: شهپر، ۱۳۸۸

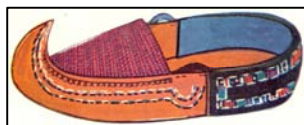
چوموش تلفظ گیلگی پای‌افزاری به نام‌های چَموش و چاموش است. «چوموش دوزی از صنایع دستی قدیم گیلان، با طرح‌های شاد و متنوع که هنوز در ماسوله زنده است. چوموش را از چرم گاو میش می‌دوزند که در هوای رطوبتی گیلان همیشه نرم است و پا را نمی‌زند» (همشهری، ۱۳۸۸). چوموش در میان خوش‌لباسان قدیمی بسیار مورد توجه بوده است. البته در حال حاضر هم از هنرهای سنتی باارزش این مناطق به‌شمار می‌آید. این کفش در دو نوع پوستی و چرمی تولید می‌شود. نوع پوستی آن در مازندران نیز کاربرد دارد. یک نوع آن در قاسم‌آباد گیلان از چرم خام و قرمز رنگ تهیه می‌شود. دهانه‌ی این چرم به‌وسیله‌ی قیطان چرمی به دور مچ پا جمع می‌شود. این قیطان چرمی از سوراخ‌هایی عبور می‌کند که بر لبه‌ی دهانه‌ی کفش تعبیه شده است. برای راحتی بیشتر، روی لبه‌ی دهانه‌ی آن یک مغزی می‌دوزند تا تیزی لبه را بپوشاند (تصویر ۱۹). نوع دیگر این کفش، نوکی برگشته دارد و از چرم خام یک‌پارچه با بندهای ابریشمی و نخ‌ی رنگی تهیه می‌شود (تصویر ۲۰). این کفش شبیه پای‌پوش بانوان کرد آذربایجان غربی است و فرق آن در تزئینات بیشتر روی کفش است (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۲۴۰ و ۲۴۹).

تصویر (۱۹) چوموش ساده از چرم خام



منبع: ضیاءپور، ۱۳۷۴: ۶۰۶

تصویر (۲۰) چوموش با نوک برجسته هم‌راه با تزئینات



منبع: همان، ۱۳۴۶: ۲۵۰

در (تصویر ۲۱) طرحی از چوموش را مشاهده می‌کنید که از پوست دباغی‌شده درست شده است و بنددار است. (تصویر ۲۲) نیز نمونه‌ای از چوموش‌های موجود در بازار ماسوله را در حال حاضر نمایش می‌دهد. در

۱۵۰ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

کنار طرح‌های اصیل، دو نوع جدیدتر چوموش را در قالب دمپایی در دو شکل پاشنه‌دار و بدون پاشنه ملاحظه می‌کنید (تصویر ۲۳).

تصویر (۲۱) چوموش از پوست دباغی شده متعلق به مردم کوهپایه



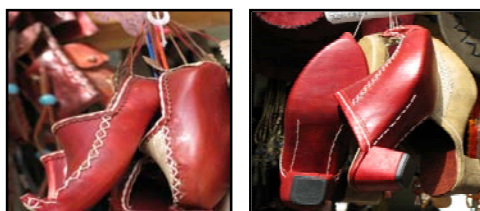
منبع: ضیاءپور، ۱۳۷۴: ۶۰۶

تصویر (۲۲) طرح چوموش در بازار ماسوله



تصویر از نگارندگان

تصویر (۲۳) چوموش به شکل راحتی (دمپایی) در دو طرح پاشنه بلند و بدون پاشنه



تصویر از نگارندگان

چارق نیز از دیگر پای‌پوش‌های زنان است. توضیحات و تصاویر لازم در خصوص این کفش در قسمت‌های پیشین آمده است. زنان گیلگ و مازندرانی در بیشتر مواقع از جوراب‌های پشمی دست‌بافت با نقش‌های رنگارنگ و زیبا استفاده می‌کنند (تصویر ۲۴).

تصویر (۲۴) جوراب‌های پشمی منقوش دست‌بافت



پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۵۱

تصویر از نگارندگان

آذربایجان شرقی

آذربایجان شرقی قسمتی از فلات ایران محسوب می‌شود که بخشی از آن کوهستانی و بخش دیگر دشت و جلگه است. اکنون این استان نیز هم‌چون ستاره‌ای بر آسمان تاریخ و فرهنگ ایران می‌درخشد (ثابتی، ۱۳۸۰: ۳-۴). از نظر آب‌وهوایی شامل سه منطقه‌ی سرد، معتدل و گرم است. از این‌رو دور از ذهن نیست که پوشش مردمان آن ترکیبی از پوشاک ایران باشد: «یکی از بهترین و جالب‌ترین هنرهای دستی تبریز، کفش‌های دست‌دوز و شیک و بادوام آن است که به تمام شهرهای ایران صادر می‌شود و با ظریف‌ترین کفش‌های اروپایی برابری می‌کند. این صنعت دستی از دیر باز در این شهر متداول بوده و دارای سابقه‌ای بس طولانی است» (زنده‌دل، ۱۳۷۶: ۱۷۲). تصویر ۲۵ نمونه‌ای از پای‌افزار بومی ساخت چرمی را در پای یک زن بومی آذربایجانی نشان می‌دهد. آن‌ها از چوموش‌های پوستی مرسوم در گیلان‌زمین نیز استفاده می‌کنند (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۲۵۳). بنابراین آن‌چه بیشتر در خصوص پای‌پوش‌های زنان این استان جلب نظر می‌کند، کفش‌های مد روز است.

تصویر (۲۵) کفش محلی زنان آذربایجان شرقی



منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۲۵۸

لرستان

این استان در غرب ایران واقع است. به طوایف ساکن در این مناطق عنوان عمومی لر را داده‌اند. آن‌ها از ترکیبی از طوایف مختلف مهاجر و عناصر عرب و ترک به‌وجود آمده‌اند. این منطقه در قدیم، کلید نظامی خوزستان محسوب می‌شده زیرا در روزگار کهن جزو سرزمین ایلام قدیم (خوزستان کنونی) بوده است.

۱۵۲ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

سرانجام در قرن چهارم هجری، به دو قسمت لر بزرگ و لر کوچک تقسیم شد. لر کوچک در غرب ایران شامل استان لرستان می‌شود. این منطقه بین دزفول در جنوب و حدود کرمانشاه در شمال واقع است (صفی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۱۰۴). شکل ظاهری پوشاک این اقوام ویژگی‌های خاص خود را دارد که تحت عنوان لباس لری قابل تفکیک از پوشاک محلی سایر اقوام است، اما ساکنان شرقی که تحت عنوان لر بزرگ شناخته شده بودند، همان بختیاری‌های فعلی ایران را تشکیل می‌دهند که در ادامه به شرح پای‌پوش‌های آن‌ها خواهیم پرداخت. پای‌پوش‌های بومی زنان لرستان شبیه کفش‌های محلی همسایگان‌شان است. آن‌ها، مخصوصاً زنان ساکن در شمال لرستان، اغلب از دوخته‌ها و گیوه‌های کرمانشاه استفاده می‌کنند که نمونه‌ی تصویری آن در صفحه ۲ آمده است. علاوه بر این، از محصولات بروجرد و خرم‌آباد نیز بهره می‌برند. جنس این کفش‌ها از چرم معمولی است (پایگاه حوزه، ۱۳۸۸)، اما با وجود چنین پای‌پوش راحتی، زنان لر تحت تأثیر مدل‌های شهری قرار گرفته‌اند و در زندگی روزمره یا انجام مراسم‌های خاص از آن‌ها استفاده می‌کنند. این مسئله در تصویر ۳۰) که اهالی سراب داوود نورآباد دلفان را در مراسم عروسی نشان می‌دهد، مشهود است.

عشایر بختیاری

همان‌طور که در پیش‌گفتیم، بختیاری‌ها همان طایفه‌ی لر بزرگ محسوب می‌شوند. این ناحیه از قسمت شمال به لرستان، از شرق به اصفهان، از غرب به خوزستان و از جنوب به کهگیلویه محدود می‌شود. مجموعه طوایف و ایلاتی که در این ناحیه زندگی می‌کنند دارای دو شعبه‌ی هفت‌لنگ و چهارلنگ هستند. در این تیره‌ها، عرب و لر به هم آمیخته‌اند. قشلاق بختیاری‌ها در خاک خوزستان و در بیابان‌های دزفول و شوشتر و رامهرمز است. در زمستان، ایلات بختیاری از آن‌جا تا خاک دزفول متفرق می‌شوند (صفی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۱۰۶-۱۰۷؛ مصاحب، ۱۳۴۵: ۳۹۳؛ رز، ۱۳۷۲: ۵۷). از نظر پوشش نیز به لر‌ها نزدیک هستند.

برای پی‌بردن به نوع پای‌پوش مرسوم میان این قوم بد نیست به توضیحات «رنه دالمانی» یکی از سیاحان دوره‌ی قاجار اشاره‌ای داشته باشیم: «کفش یا پای‌افزار همه‌ی بختیاری‌های ناحیه اصفهان نوعی گیوه است با تختی از پارچه‌های کهنه به یکدیگر فشرده و رویه‌ای که از نخ سفید بافته شده است. برای فراهم آوردن تخت این نوع گیوه قطعات ریز پارچه و چرم کهنه را که قبلاً برای نرم شدن در آب گذاشته‌اند کنار یکدیگر قرار داده به مدد جوالدوز داغ شده و سوزنی درشت و با تسمه چرمین درازی به هم می‌پیوندند. پس از کوبیدن این جسم

پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۵۳

چوبمانند با مشته قالب پاهای مورد نظر را بر روی آن قرار داده [و] زواندش را می‌برند که در نتیجه تخت کفشی پدید می‌آید با ضخامت حدود ۴ سانت و محکم تر از هر نوع چرمی، آن‌گاه رویه‌ای را که از پیش با نخ سفید بافته شده است با نواری از چرم بدان می‌دوزند و بدین ترتیب پای‌افزاری محکم برای زن و مرد و کودک فراهم می‌آید» (دالماتی، ۱۳۷۸: ۷۰۰-۶۹۹). با شرحی که رفت می‌توان آگاه شد که این کفش همان گیوه‌ی ملکی است (تصویر ۲۶). البته به‌طور حتم، نوع زنانه‌ی آن ظریف‌تر از چیزی است که در شکل زیر دیده می‌شود.

تصویر (۲۶) گیوه ملکی



منبع: پرشین پرشیا، ۱۳۸۸

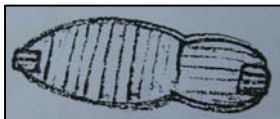
اما با توجه به شواهد موجود «نباید فراموش کرد که [بسیاری از این زنان] به‌علت تأثیر هم‌جواری نسبت به استفاده از کفش‌های شهری یا کفش‌های دوخت محلی به تقلید از کفش‌های شهری دریغ ندارند» (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۲۴) صحت این مسئله در توضیحات سیاحی دیگری به‌نام «سرلایارد» که در زمان محمدشاه قاجار به ایران سفر کرده بود، کاملاً واضح است. این شخص نخستین فرنگی در میان ایل بختیاری بوده که علاوه بر آداب و رسوم آنان به پوشاک‌شان، از جمله پای‌پوش زنان، توجهی خاص داشته است. پای‌افزار آن‌ها را گیوه‌هایی معرفی می‌کند که تختش از چرم و رویه‌ی آن کار دست خودشان است، اما در این میان به نوعی دیگر از کفش اشاره کرده است که به‌دنبال تأثیر از کفش‌های شهری به‌پا می‌کنند. به این صورت که: «بعضی اوقات یک نوع کفش ساغری سبزرنگ چرمی که دارای پاشنه‌های بلندی است و در شهر دوخته می‌شود، می‌پوشند» (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۷۴). بعد از سرلایارد، دکتر «رز» دومین فرد خارجی بود که موفق شد مدتی طولانی در میان این ایل به سر برد. ایشان به شرح توضیحاتی در خصوص پوشش بختیاری‌ها پرداخته است. در خلال توضیحاتش می‌توان به این مطلب پی‌برد که پای‌پوش‌های مردمان بختیارس در اواخر دوره‌ی قاجار از نوع کفش‌ها و جوراب‌های اروپایی هستند (رز، ۱۳۷۸: ۱۱۲) زیرا زمان اقامت او در آن‌جا با این دوره مصادف بود. بنابراین پیداست

که گیوه به‌ویژه در میان زنان کم‌کم منسوخ شد. بالطبع، در دنیای امروز استفاده از کفش‌های شهری از قوت بیشتر برخوردار است. با این اوصاف گیوه از پای‌پوش‌های اصیل و محلی آن‌ها محسوب می‌شود.

عشایر قشقایی

قشقایی‌ها از ایلات معروف و بزرگ ترک زبان هستند که در مرکز ایران به سمت جنوب در استان فارس سکونت دارند. قلمرو گرمسیری (قشلاق) در سواحل جنوبی استان و قلمرو سردسیری (بیلاق) در شمال استان واقع شده است. این ایل دارای تیره‌های متعدد است. واژه‌ی قشقایی را مأخوذ از کلمه‌ی ترکی قشقا به معنی اسب پیشانی سفید دانسته‌اند. برخی بر این عقیده‌اند که قشقایی‌ها از قبیله‌ای به نام ترک خلیج بودند که بعدها به عراق عجم مهاجرت کردند و از آن‌جا به فارس آمدند و زندگی چادرنشینی داشته‌اند (صفی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۶۰-۵۹؛ مصاحب، ۱۳۴۵: ۲۰۵۱). پوشاک زنان این عشایر به‌عنوان نمونه‌ای بسیار زیبا و منحصر به فرد مطرح است. جوامع قبیله‌ای این‌چنینی به‌علت شرایط ویژه‌ی زندگی خود، از شهرهای بزرگ و شیوه‌ی خاص زندگی در آن‌جا دور بوده‌اند. به همین سبب بسیاری از مشخصه‌های فرهنگی و پوشاک خود را حفظ کرده‌اند. آن‌ها به لباس‌های سنتی خود ارج نهاده و تنها تحت شرایطی خاص، اندک‌تغییراتی در آن‌ها داده‌اند (کیانی، ۱۳۷۷: ۱۱۴). زنان زحمت‌کش قشقایی همان گیوه‌ی ملکی مردان را به‌پا می‌کنند با این تفاوت که رویه‌ی آن نیز ظریف‌تر است و قسمت جلوی کفش را با پارچه‌ای توری می‌بافند. این نوع کفش به‌دلیل این‌که از مواد طبیعی چون نخ پنبه‌ای تهیه می‌شود، برای شادابی و سلامت پا بسیار مفید است و از سبک‌ترین و بادوام‌ترین پای‌پوش‌های سنتی به‌شمار می‌رود. این پای‌پوش، کاملاً سنتی است و در شرایط آب‌وهوایی مختلف در دو نوع متفاوت تهیه می‌شود. این تفاوت در جنسیت تخت گیوه است. در فصل زمستان که زمین مرطوب است، از تخت لاستیکی و در فصل تابستان از ملکی تخت‌پارچه‌ای استفاده می‌کنند. از ویژگی مهم این نوع کفش سبکی و راحتی آن است. هم‌چنین دوام ملکی از کفش‌های لاستیکی و چرمی به‌مراتب بیشتر است. این گیوه‌ها از دو قسمت رویه و کفش تشکیل شده‌اند. تخت آن از پارچه‌های تکه‌تکه‌شده‌ی تاکرده ساخته می‌شود که در کنار هم چیده شده‌اند (تصویر ۲۷) نحوه‌ی قرارگیری تکه‌های تاخوردی‌ه پارچه‌ای ملاحظه می‌شود.

تصویر (۲۷) نحوه قرارگیری تکه‌های تا خورده‌ی پارچه در تخت گیوه

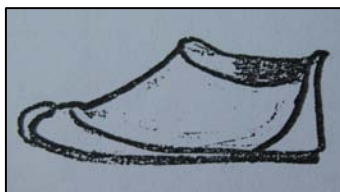


پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۵۵

منبع: کیانی، ۱۳۷۷: ۱۲۶

تخت‌سازها یا شیوه‌کش‌ها با کمک نخ‌های چرمی محکم این تکه‌ها را به یکدیگر می‌دوزند و آن‌ها را محکم می‌کوبند تا به هم متصل شوند. سپس، آن‌را به شکل کف پا برش می‌دهند و در قسمت عقب و جلوی پا از قطعات چرم استفاده می‌کنند. رویه‌ی گیوه، که در زبان عوام به «ریوار ملکی» معروف است، توسط زنان با سوزن نخ پنبه‌ای تهیه می‌شود. سپس، برای تکمیل کار تخت‌سازها و رویه‌چین‌ها، گروهی سوم به نام ملکی‌دوزها رویه را به وسیله باریکه‌های چرمی محکم به تخت گیوه می‌دوزند. سپس، ضربه‌گیری در قسمت جلوی کفش و پاشنه‌ی چرمی قرمز یا شیرین‌رنگ در عقب آن می‌دوزند. این پاشنه‌ی چرمی به استحکام و راحتی کفش خیلی کمک می‌کند (تصویر ۲۸). طرحی ساده از گیوه‌ی ملکی است. در (تصویر ۲۹) طرحی دیگر از آن را ملاحظه می‌کنید که گیوه‌ی موتوری نام دارد. با توجه به این دو طرح ملاحظه می‌شود که از دو نظر با هم متفاوت هستند: (۱) در برش قسمت جلوی کفش (۲) وجود زائده‌ای برگشته بر پنجه‌ی کفش در طرح موتوری.

تصویر (۲۹) گیوه موتوری



منبع: همان

تصویر (۲۸) گیوه ملکی



منبع: همان

به دنبال تغییر و تحولات در پوشاک قشقایی‌ها، پای‌پوش‌های آن‌ها نیز تغییراتی کرد، به این صورت که امروزه بیشتر از کفش‌هایی با طرح و دوخت شهری استفاده می‌کنند، اما هیچ‌گاه این مسئله باعث از میان رفتن پای‌پوش‌های سنتی آن‌ها نشده است و هم‌چنان در شهرهایی نظیر آباد، شیراز و در بعضی روستاهای دیگر، این ملکی‌های زنانه دوخته می‌شوند (کیانی، ۱۳۷۷: ۱۱۹ و ۱۲۴).

خوزستان

بخشی از خاک ایران متمدن را استان خوزستان تشکیل می‌دهد. این استان در جنوب غربی ایران واقع است و با استان‌های ایلام از شمال غربی، لرستان از شمال، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد

۱۵۶ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

از شمال شرقی و شرق و خلیج فارس از جنوب هم‌مرز است. از ویژگی‌های جالب توجه در این استان، تنوع فرهنگی و تعدد اقوامی مختلف نظیر عرب‌زبانان، بختیاری‌ها و بندر نشینان حاشیه‌ی خلیج فارس است (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۲۵؛ صالح‌پور، بی‌تا: ۶ و ۱۰). قطعاً این تنوع فرهنگی در وضعیت پوشاک زنان آن‌ها نیز مؤثر بوده است. در خصوص پای‌پوش‌های‌شان باید گفت که از گیوه‌هایی نظیر بختیاری‌ها استفاده می‌کنند. به‌عبارتی؛ گیوه از پای‌پوش‌های محلی زنان خوزستانی محسوب می‌شود و از صنایع دستی این استان است که توسط هنرمندان صنعت‌گر تولید می‌شود و قدمت آن حدود ۲۰۰ سال است. بر اساس جنسیت تخت آن، این گیوه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) گیوه‌ی چتری: این گیوه در دزفول تهیه می‌شود. رویه‌ی آن از نوعی پارچه‌ی دست‌بافت به‌نام چتری و تخت آن از چرم است.

۲) گیوه‌ی تخت‌لته‌ای: تخت این گیوه از پارچه‌های به‌هم‌فشرده تهیه می‌شود که لته نام دارد.

۳) گیوه‌ی تخت لاستیکی: در این گیوه به‌جای تکه‌پارچه یا چرم از لاستیک در تخت گیوه استفاده می‌کنند. در هر سه نوع گیوه، رویه‌ی آن‌ها توسط زنان خانه‌دار بافته می‌شود. بهبهان و دزفول از مراکز مهم گیوه‌بافی در خوزستان هستند (سازمان صنایع‌دستی خوزستان، ۱۳۵۱: ۲۵-۲۶). در تصاویر (۳۰ و ۳۱) دو نمونه از گیوه‌های خوزستانی را مشاهده می‌کنید. احتمال می‌رود گیوه (تصویر ۳۰) به‌دلیل بافت خاص رویه‌ی گیوه از نوع چتری باشد.

تصویر (۳۱) گیوه خوزستانی از نوع ملکی



منبع: همان

تصویر (۳۰) گیوه خوزستانی



منبع: تیبیان، ۱۳۸۸

به‌طور کلی با گذشت زمان، به‌دلایلی از قبیل جای‌گزینی کفش‌های ماشینی که دوام بیشتری دارند و همچنین پایین بودن دست‌مزد گیوه‌دوزی، پای‌پوش‌های سنتی رونق سابق خود را از دست داده است. اما

پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۵۷

آن‌چه مسلم است این‌که در عصر حاضر، هرگاه سخن از کفش محلی این اقوام به میان آید، گیوه است که در نظرها مجسم می‌شود.

سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان، سومین استان وسیع کشور، در جنوب شرق قرار دارد. در حال حاضر، سیستان و بلوچستان به‌صورت یک استان واحد با فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود، بخشی از ایران امروزی را به‌خود اختصاص داده‌اند. جهت آشنایی با پای‌پوش‌های زنان این خطه باید به این نکته توجه داشته باشیم که پوشاک مردمان سیستان و بلوچستان با توجه به موقعیت زمانی و مکانی با یکدیگر تفاوتی عمده دارد. از آن‌جا که محور اصلی پژوهش، مطالعه کل پوشاک نیست توجه ما به پای‌پوش محلی زنان معطوف خواهد شد.

یکی از کفش‌های متداول زنان سیستانی از نوع لاستیکی است. پای‌پوش محلی زنان بلوچ نیز در سه طرح موجود است. همان پای‌پوش‌های ساده و ارزان‌قیمت یافته‌شده از الیاف گیاهی است که سواس نام دارد. از آن‌جا که تصویری مناسب برای نمایش آن در پای زنان یافت نشده است به نمونه‌ی مردانه‌ی آن اکتفا می‌کنیم که احتمال می‌رود از این نوع باشد (تصویر ۳۲). نوع دوم، دارای پاشنه‌ای چرمی و رویه‌ای زربفت و گل‌دوزی‌شده است. البته در حال حاضر، میزان این تزئینات نسبت به قبل کمتر شده است (تصویر ۳۳). سومین طرح، نوعی صندل چرمی امروزی است که هم‌اکنون کاربرد بیشتری دارد (رحیمی، ۱۳۸۱: ۵۵؛ ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۷۶-۱۷۵).

تصویر (۳۲) صندل بافته شده از گیاه، سواس



منبع: متین، ۱۳۸۳: ۷۲

تصویر (۳۳) کفش زربفت و گل‌دوزی شده زنان بلوچ



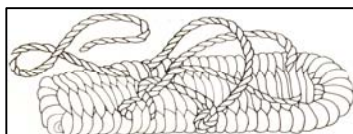
منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۷۹

در حال حاضر، زنان این خطه بیشتر از دمپایی‌های لانگشتی و لاستیکی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، هم‌چون سایر اقوام محلی ایران تحت تأثیر زندگی شهری، به استفاده از کفش‌های بازاری روی آورده‌اند.

سواحل جنوبی ایران

خلیج فارس، دریایی کم‌عمق است که در جنوب ایران قرار دارد. بنادر و جزایر جنوب ایران میان استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان پراکنده است. این مناطق سواحل خلیج فارس محسوب می‌شوند. پیشینه‌ی تاریخی آن‌ها نشان می‌دهد که ساکنان ابتدایی خلیج فارس از همان آغاز زندگی با فعالیت‌هایی نظیر دام‌داری، پرورش طیور، حصیربافی و نظایر آن آشنایی داشته‌ند. شاید آن‌ها از نخستین افراد بشر باشند که توانستند از طریق آب‌ها به انتقال و نشر تمدن و فرهنگ دست پیدا کنند (تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۲۵ و ۹۵). کلیه‌ی اقوام بومی و محلی این نواحی تحت عنوان بندری مشهور هستند. یکی از ویژگی‌هایی که به کمک آن می‌توان زنان این اقوام را از سایرین باز شناخت هیأت ظاهری پوشاک آنان است. از نظر نوع پوشش تن ممکن است هر یک از این اقوام جنوبی در استان‌های نام‌برده سبک خاص خود را دارا باشند، اما آن‌گونه که پیداست اکثراً از صندل‌ها و دمپایی‌های مشابه به‌هم استفاده می‌کنند. نمونه‌ای از این صندل‌ها از گیاه بافته و لای انگشتان پا استوار می‌شد (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۵۷). در واقع این پای‌پوش نیز همانند سواس است که توسط زنان بندری پوشیده می‌شود (تصویر ۳۴).

تصویر (۳۴) طرحی از صندل مخصوص بندریان، یافته‌شده از گیاه



منبع: ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۵۹

زنان بندری در گذشته کفش‌هایی چرمی به رنگ سبز می‌پوشیدند که پنجه‌هایش به سمت بالا برگشته بود، اما امروزه دمپایی‌هایی به سبک غربی به‌نام چَپَلی می‌پوشند (نجم‌آبادی، ۱۳۸۳: ۳۴۷). احتمالاً در گویش محلی به هر نوع دمپایی از نوع غیر بومی این عنوان را داده‌اند. شواهد اینگونه نشان می‌دهد که زنان این دیار، امروزه بیشتر از دمپایی لانگشتی استفاده می‌کنند. بنابراین ملاحظه می‌شود

پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۵۹

که زنان بندری حتی‌الامکان از پای‌پوش‌هایی استفاده می‌کنند که کمتر پا را پوشش می‌دهد. مطمئناً این امر به شرایط آب‌وهوایی گرم و شرجی سواحل جنوب مرتبط است.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن سابقه‌ی تاریخی و درخشان هر یک از اقوام ایرانی می‌توان اظهار داشت که تک‌تک آن‌ها هم‌چون نگینی در آسمان تابناک این مرزوبوم می‌درخشند و مجموع آن‌ها، در کنار هم، اصالت و غنای فرهنگ و تمدن دیرینه‌ی ایران را آشکارتر می‌نماید. این اقوام مؤلفه‌های بسیاری برای نمایاندن فرهنگ کهن خویش به هم‌راه دارند. یکی از این مؤلفه‌ها پوشاک آن‌هاست. این نماد فرهنگی، در گذر زمان و طی حوادث گوناگون، دچار تغییراتی شده که در میان اقوام مختلف با شدت و ضعف همراه بوده است. با توجه به پژوهش انجام‌شده در حیطه‌ی پای‌پوش‌های زنان عشایر و روستایی می‌توان به این نتیجه رسید که کفش از جمله مؤلفه‌هایی است که در مقایسه با سایر اجزای پوشاک، با سرعت و انعطافی بیشتر با زندگی شهری و شرایط جدید عجین شده است. با وجود این، در برخی از مناطق به‌ویژه در گروه‌های سنی بالا، تعدادی از طرح‌ها هنوز موفق به حفظ بقای خود شده‌اند. از سویی در خصوص برخی دیگر چیزی جز نام آن‌ها بر جا نمانده است. با کمی دقت می‌توان آگاه شد که طرح و جنسیت بسیاری از این کفش‌های محلی با شرایط مکانی و نوع فعالیت‌های زنان زحمت‌کش روستایی سازگاری تام دارد و به‌هیچ‌وجه مانعی در انجام مشاغل نظیر دام‌داری، کشاورزی، باغبانی و نظایر آن‌ها محسوب نمی‌شود. به‌عنوان مثال پای‌پوش مرسوم در میان اکثر عشایر گیوه است. با توجه به ویژگی‌های ذکرشده، می‌بینیم که هیچ پای‌افزاری تا به این حد قابلیت انعطاف با شرایط زندگی در دشت و کوه را ندارد و حتی عاملی اصلی در حفظ سلامت عضو مهم بدن یعنی پا به‌شمار می‌رود. نتیجه‌ای دیگر که از قیاس پای‌پوش‌های محلی زنان می‌توان گرفت، وجود شباهت بین آن‌ها در میان آن‌دسته از اقوام محلی است که در شرایط اقلیمی و جغرافیایی شبیه و نزدیک به هم زندگی می‌کنند. همان‌گونه که ملاحظه شد در مناطق شمالی ایران و حتی در بخش‌های شمالی استان خراسان، اکثر زنان در کنار سایر کفش‌های محلی خویش، از نوعی پای‌افزار محلی با عنوان گالش استفاده می‌کنند. بنابراین عوملی از قبیل شباهت بین آب‌وهوای استان‌های

۱۶۰ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

هم‌جوار و هم‌چنین وجود اشتراکات در نوع فعالیت‌های زنان روستایی، از دلایل عمده در استفاده از پای-پوش‌های شبیه به هم است. هم‌چنین می‌توان اذعان داشت که طرح پای‌پوش‌های محلی زنان در قیاس با تن‌پوش‌ها و سرپوش‌های آن‌ها از تنوعی کمتر برخوردار است زیرا عوامل یادشده، در ایجاد شباهت‌های ظاهری در سایر بخش‌های پوشاک کمتر مؤثر واقع می‌شوند. از نکات دیگر که باید متذکر شد این است که اکثر این کفش‌ها میان زنان و مردان بومی مشابه هستند. تفاوت عمده‌ی آن‌ها در میزان تزئینات آن‌ها است و بالطبع، کفش زنان از ظرافت و تزئیناتی بیشتر برخوردار است. امید است که این زنان اصیل و باوقار ایرانی توجه هرچه بیشتر خود را در حفظ اصالت و زیبایی این بخش از جامه مبدول دارند که از موارث فرهنگی و هنری آن‌ها محسوب می‌شود. سعی ما نیز بر این است تا با انجام چنین پژوهش‌هایی، گامی مؤثر در راستای حفظ هرچه بهتر آن برداشته باشیم.

منابع

- ابراهیمی، ن (۱۳۶۱) ترکمن و صحرا، تهران: آموزش.
- امیدی، ناهید (۱۳۸۲) دیده و دل‌ودست، مشهد: آستان قدس رضوی.
- پایگاه حوزه (۱۳۸۸) تاریخ دریافت ۱۳۸۸/۰۱/۱۰، نشانی سایت: www.hawzah.net/hawzah/magazines/magart
- پرشین پرشیا (۱۳۸۸) تاریخ دریافت ۱۳۸۸/۰۱/۰۹، نشانی سایت: www.persianpersia.com/Handistore
- تبیان (۱۳۸۸) تاریخ دریافت از سایت ۱۳۸۸/۰۲/۲۰، نشانی سایت: <http://www.tebyan.net/index.aspx>
- تجهیزات ایمنی شهپر (۱۳۸۸) تاریخ دریافت از سایت ۱۳۸۸/۰۲/۲۰، نشانی سایت: www.shahparsafty.com
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۰) خلیج فارس، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ثابتی، میرابوالفضل (۱۳۸۰) آذربایجان مجموعه‌ای از زیبایی‌ها، تبریز: سیما‌آذر.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸) از خراسان تا بختیاری، ترجمه‌ی غلام‌رضا سمیعی، تهران: نشر طاوس.
- دانشنامه‌ی آزاد ویکی‌پدیا (۱۳۸۸) تاریخ دریافت از سایت ۱۳۸۸/۰۲/۲۰، نشانی سایت: <http://turkmenofiran.org>
- رحیمی، زمره (۱۳۸۱) سیمای میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رز، الیزابت مکین (۱۳۷۲) با من به سرزمین بختیاری بیایید، ترجمه‌ی مهرباب امیری، تهران: انزان.
- زنده‌دل، حسن (۱۳۷۶) استان آذربایجان شرقی، تهران: نشر ایران گردان.
- زنده‌دل، حسن (۱۳۷۹) استان خوزستان، تهران: نشر ایران گردان.
- سازمان صنایع دستی خوزستان (۱۳۵۱) بررسی وضع صنایع دستی استان خوزستان، تهران: مرکز صنایع دستی ایران، وزرات صنایع و معادن.

پای‌پوش‌های زنان روستایی و عشایر ایران ۱۶۱

- صالح پور، اردشیر (بی‌تا) خوزستان، اهواز: سازمان خدمات طراحی استان خوزستان.
- صفی نژاد، جواد (۱۳۷۵) عشایر مرکزی ایران، تهران: امیرکبیر.
- ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۶) پوشاک ایل‌ها، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ضیاءپور، جلیل (۱۳۷۴) کتاب گیلان، جلد ۱، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران.
- کاظمی فرامرزی، نعمت‌الله (۱۳۸۸) تاریخ دریافت از سایت ۱۳۸۸/۲/۵، نشانی سایت: www.Mazandnume.com
- کسرائیان، نصرالله و زیبا عروشی (۱۳۷۲) کردهای ایران، تهران: نصرالله کسرائیان.
- کسرائیان، نصرالله - زیبا عروشی (۱۳۷۴) شمال، تهران، نصرالله کسرائیان.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۷) کوچ با عشق شقایق، شیراز: کیان نشر.
- متین، پیمان (۱۳۸۳) پوشاک ایرانیان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵) دایره‌المعارف فارسی، تهران: فرانکلین.
- معین، محمد (۱۳۵۸) فرهنگ فارسی، ج ۶ تهران: امیرکبیر.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹)، زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، تهران: نشر آفرینش - نشر روزگار.
- همشهری (۱۳۸۸) تاریخ دریافت از سایت ۱۳۸۸/۰۲/۰۴، نشانی سایت: www.hamshahrionline.ir/News